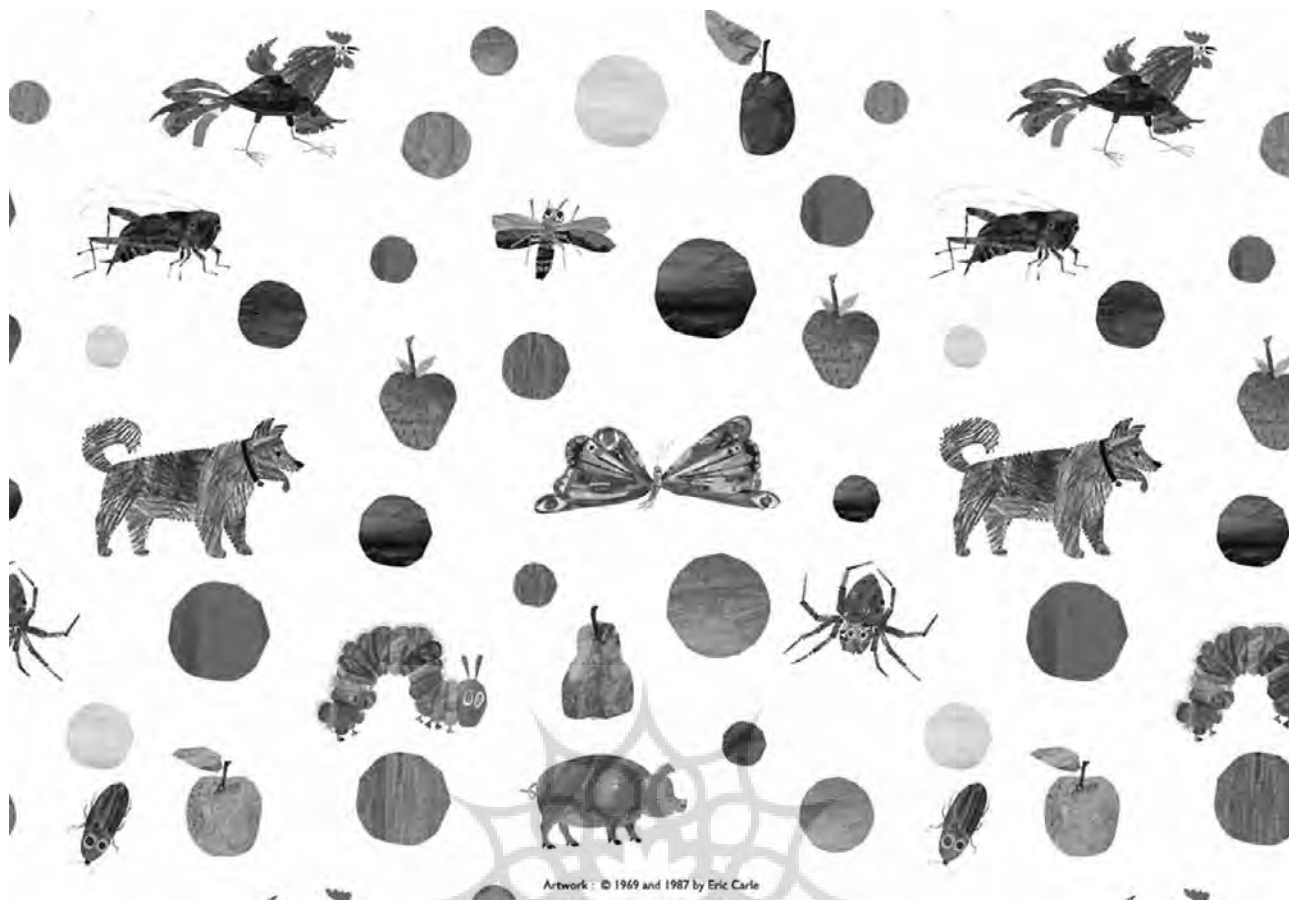


اریک کارل و دنیای رنگین کلاژهایش

برترین‌های ادبیات کودک و نوجوان جهان، در جایزه هانس کریستین آندرسن ۲۰۱۰

سحر ترهنده

مهم‌ترین رویداد جهانی در حوزه ادبیات و تصویرگری کتاب کودک، جایزه هانس کریستین آندرسن است که به نوبل کوچک نیز شهرت دارد و هر دو سال یک بار به مجموعه آثار یک نویسنده و یک تصویرگر داده می‌شود. برترین نویسندگان و تصویرگران هر کشور انتخاب می‌شوند. سپس مجموعه آثارشان برای داوری به داورانی که خود از میان کشورهای متفاوت برگزیده شده‌اند، ارسال می‌گردد. این آثار، مورد بررسی قرار می‌گیرند. خلاقیت، تداوم کار به صورت حرفه‌ای، شناخت مخاطب کودک و نوجوان، کیفیت بالای ادبی - هنری و مهم‌تر از همه تاثیر گذاری در ادبیات کودکان جهان، معیارهای پایه‌ای است که در این داوری مورد توجه قرار می‌گیرد. در پایان یک نویسنده و یک تصویرگر، به عنوان برترین پدیدآورندگان جهان کودک معرفی می‌شوند. زهره قایینی کارشناس ارشد کتابداری و سرپرست مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴، عضو هیئت داوران جایزه آندرسن بود و در سال ۲۰۰۸ هم به عنوان رئیس هیئت داوران از سوی هیئت مدیره دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY) انتخاب شد. خوشبختانه این انتخاب، برای ریاست هیئت داوران جایزه آندرسن ۲۰۱۰ نیز تکرار شد در چندین ماه باقی مانده تا داوری نهایی و اعلام نتایج برندگان آندرسن ۲۰۱۰، سعی خواهیم کرد خوانندگان را با چهره‌های شاخص تصویرگری و آثارشان آشنا کنیم و آنان را نیز در جریان انتخاب بهترین تصویرگر قرار دهیم. در این مجال، پس از مرور کوتاهی بر زندگی اریک کارل، به تحلیل آثار و علل جاودانگی تاثیرش بر ادبیات و دنیای کودکان پرداخته خواهد شد.



Artwork : © 1969 and 1987 by Eric Carle



اریک کارل، در سال ۱۹۲۹، در سیراکیوز نیویورک، در یک خانواده مهاجر آلمانی به دنیا آمد. او شش سال اول زندگی خود را در آمریکا به خوبی به یاد می‌آورد؛ دنیایی مملو از میکی موس، فلش گورتن، بیکنیک‌های شاد خانوادگی و پنجره‌های بزرگ کلاس‌های مهد کودک. زمانی که اریک شش ساله شد، به دلیل دل‌تنگی بسیار مادرش، خانواده تصمیم به بازگشت به آلمان گرفت. آن‌ها به اشتوگارت نقل مکان کردند و به زودی دریافتند که این بازگشت اشتباهی بزرگ بوده است: «آن دوران با امروز تفاوت بسیاری داشت. مسافت امری بسیار دشوار بود و مردم آن‌قدرها پول نداشتند که بتوانند به راحتی به جایی که از آن آمده‌اند، بازگردند.» خانواده کارل در آلمان، در خانه‌ای بسیار بزرگ و شش طبقه با تعداد زیادی از افراد فامیل هم‌خانه شدند. «مادر بزرگ من نه خواهر داشت و ما آن‌جا با همه آن‌ها زندگی می‌کردیم. من تعداد زیادی فامیل جالب توجه و حواس پرت پیدا کرده بودم. آن‌ها همه لاف‌زن و دروغگو، اما قصه‌گویی خلاق و ماهر بودند.» برای اریک کوچک سازگار شدن با محیط جدید بسیار دشوار بود. پیش از شروع جنگ جهانی دوم، کارل تعطیلات آخر هفته را با پدرش به گردش و پیاده روی می‌رفت. در این گردش‌ها پدر اطلاعات و آموزش‌های بسیاری در مورد با طبیعت، گیاهان و جانداران با او در میان می‌گذاشت. کارل در مورد پدرش و نوع ارتباطشان می‌گوید: «در زمان کودکی، پدر برای این که مرا سرگرم کند، برایم نقاشی می‌کشید. او شروع به قصه گفتن می‌کرد و در خلال تعریف داستان، حیوانات، انسان‌ها و درختان موجود در آن را برایم می‌کشید. پدرم در کودکی و جوانی آرزو داشت هنرمند شود، اما پدرش اجازه این کار را به او نداد.»



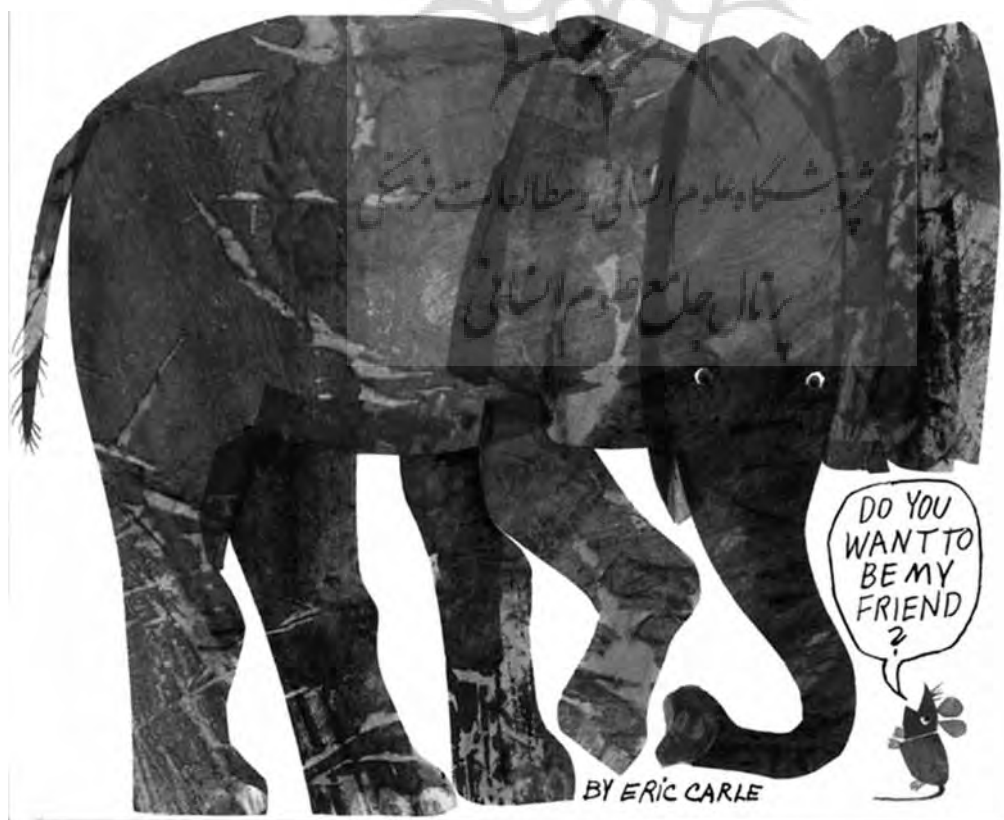
زمانی که جنگ جهانی دوم شدت یافت، پدر کارل از طرف ارتش آلمان، برای شرکت در جنگ احضار شد و خانواده‌اش در آشفتنگی و مشکلات جنگ غرق شد. «ما بیشتر زمان خود را در زیرزمین خانه سپری می‌کردیم. زمان بسیار وحشتناکی بود. تمام مدت روی سرمان بمب می‌ریخت. بمب‌ها مدام به ما نزدیک و نزدیک‌تر می‌شد.» سیستم آموزش و پرورش در دوران آلمان نازی، دچار تحول و سخت‌گیری‌های بسیاری شد. کارل هم به نوبه خود دانش آموزی چندان مشتاق و علاقه‌مند نبود. تنها درسی که او به آن گرایش داشت، هنر و نقاشی بود. او خود در باره شروع علاقه‌اش به طراحی و نقاشی می‌گوید: «زمانی که من بسیار کوچک بودم، علاقه شدیدی به طراحی داشتم. این کار حسی از آرامش و رضایت به من می‌داد و من از آن لذت می‌بردم. زمانی که در آمریکا به مهد کودک رفتم، همه‌جا پر بود از رنگ، کاغذ و نور (چیزهایی که در آلمان آن‌ها را از دست دادم). از آن زمان به بعد، می‌دانستم این کاری است که مایلم در بزرگسالی انجام دهم. در آن زمان اصطلاح «هنرمند» را نیاموخته بودم، اما می‌دانستم که می‌خواهم وقتی بزرگ شدم، برای گذران زندگی از قلم مو، مداد و رنگ استفاده کنم و تصویر بکشم.»

کارل به دلیل استعداد بالایش در کار هنری، رابطه بسیار خوبی با معلم هنر خود در مدرسه ایجاد کرد. این معلم به صورت پنهانی کارهای پیکاسو، ماتیس، باروک و هنرمندان دیگری را که نمایش آثارشان به وسیله هیتلر و رژیم نازی منع شده بود، به اریک نشان می‌داد. «زمانی که من ۱۲ یا ۱۳ سال داشتم، معلم نقاشی‌ام مرا با هنرمندان مدرن، امپرسیونیست‌ها، اکسپرسیونیست‌ها و ... آشنا کرد. ابتدا من بسیار مضطرب بودم، فکر می‌کردم این مرد (معلم) دیوانه است. من هیچ‌گاه چیزی مانند تصویری که او به من نشان داده بود، ندیده بودم. با دیدن این نقاشی‌ها به شدت من شوکه و در عین حال مجذوب شدم. من همواره در صحبت‌ها می‌گویم که او پیکاسو و دیگران را به من نشان داد، اما در اصل من نمی‌دانستم آن‌ها کیستند. این معلم باید به ما رئالیسم، ناتورالیسم و کشیدن سربازانی که پرچم‌هایشان را تکان می‌دهند، یاد می‌داد. تا آن لحظه هنر برای ما تنها همین بود. او به من گفت که نباید در مورد دیدن تصاویر هنرهای مدرن و منع شده، با کسی سخن بگویم. او فرد بسیار شجاعی بود. تا به امروز آن تصاویر و هنرمندان خالقشان تاثیر بسیاری بر هنر من داشته‌اند. این اتفاق، اتفاقی بسیار مهم در زندگی من بود.» این‌ها خاطراتی است که با گذشت زمان، کارل آن‌ها را به روشنی به یاد می‌آورد. او به خوبی به یاد می‌آورد که یک بار مجبور شد از دست هواپیمای جنگی که مدام به او شلیک می‌کرد، به رودخانه‌ی راین بپرد. گلوله‌ها با فاصله کمی از کنار او گذشتند و روزی را به یاد می‌آورد که «چند افسر نازی، زمانی که آلمان محاصره شده بود، به در خانه ما آمدند و به مادرم گفتند پسر تو فردا صبح باید خود را به پایگاه راه‌آهن معرفی کنی. ما به او اسلحه هم می‌دهیم. در آن زمان، به نظر من داشتن اسلحه امری هیجان‌انگیز بود، اما مادرم به من اجازه نداد بروم.»

پس از پایان جنگ، کارل برای شش ماه به عنوان مسئول بایگانی در ارتش آمریکا مشغول به کار شد. پس از سال‌ها گرسنگی، با به دست آوردن این کار، او توانست به آشپزخانه‌ی سربازان دسترسی یابد. او در زندگی‌نامه خود نگاشت «هنر اریک کارل» می‌نویسد، «به خوبی به یاد دارم که در این زمان ساندویچ مانده، تکه‌ای کره، فنجانی شکر و تکه‌های مانده گوشت را از آشپزخانه برداشته، پنهانی برای خانواده‌ام می‌بردم.» دو سال بعد، پدر کارل به خانه بازگشت. او زندانی و به کمپ‌های زندانیان روسیه انتقال داده شده بود. از پدر چیزی جز پوست و استخوان باقی نمانده بود. او عمیقاً تغییر کرده بود. آن‌ها همگی تغییر کرده بودند.

پس از پایان جنگ و باز شدن مدارس، کارل هم مانند بسیاری از دانش‌آموزان به مدرسه بازگشت. او خود در این باره و علت تغییر رشته‌اش به هنر می‌گوید: «پس از پایان آشفته‌گی‌های پس از جنگ، من هم مانند اکثر دانش‌آموزان به مدرسه بازگشتم و بیشتر از همیشه از آن بدم آمد. به همین دلیل به دیدن معلم هنر سابق خود رفتم تا در مورد آینده‌ام با او مشورت کنم. او به من پیشنهاد داد به دیدن پروفیسور اشنايدر رئيس دپارتمان طراحی گرافیک آکادمی هنرهای کاربردی بروم. خانواده من اجازه این

در کتاب‌های
اریک کارل،
کودکان به
بازی کردن فعال
در کنار خواندن
داستانی لذت
بخش و آموختن
مفاهیم متفاوت
دعوت می‌شوند



را که به مدرسه بروم تنها برای این که هنرمند شوم نمی‌دادند، اما طراحی گرافیک امر دیگری بود؛ این رشته یک پیشه و کار تلقی می‌شد. در شانزده سالگی با موافقت خانواده به مدرسه هنر رفتم و تحت سرپرستی یکی از برجسته‌ترین اساتید رشته طراحی گرافیک، به یادگیری مشغول شدم. من سرانجام فردی را یافتم که بتوانم از او نه تنها هنر، بلکه روش زندگی را یاد بگیرم و همین امر از پروفیسور یک معلم برجسته می‌ساخت.

کارل همواره آرزو داشت سال‌های خوش کودکی‌اش بازگردد. به همین دلیل، بعد از فارغ‌التحصیلی از آکادمی هنرهای کاربردی اشتوتگارت در سال ۱۹۵۲، با ۴۰ دلار پول و دنیایی آرزو برای آینده‌ای روشن راهی آمریکا شد. به زودی کاری در زمینه تبلیغات در *The New York Times* یافت و سالیان سال به صورت حرفه‌ای به تبلیغات و طراحی گرافیک پرداخت. او در مورد طراحی تبلیغات می‌گوید: «هر صفحه از کتاب‌های من مانند یک پوستر عمل می‌کند. این صفحات حاوی تصاویر و عناصری هستند که بیننده به سرعت آن‌ها را می‌فهمد. بیشتر تصاویر من از روبه‌رو یا نیامی از پهلو هستند. روزی فردی مرا با نقاشان غار مقایسه کرد. مقایسه‌ای که من آن‌را بسیار پسندیدم.» زمانی که ویراستار و نویسنده بسیار معروف بیل مارتین، تعدادی از تصاویر خرچنگ دریایی را دید که کارل برای تبلیغی، تصویرسازی کرده بود، از او برای کار روی کتاب *خرس قهوه‌ای*، *خرس قهوه‌ای*، تو چه می‌بینی؟^۲ دعوت به همکاری کرد. در واقع کارل کتاب اول خود را زمانی که ۳۹ سال داشت به چاپ رسانید. کتابی که امروزه به اثری کلاسیک در آمریکا و بیشتر نقاط جهان تبدیل شده است. این کتاب پس از چاپ، به سرعت به فروش رفت و باعث معروف شدن کارل به عنوان تصویرگری خلاق و مستعد شد. کارل در مورد همکاری‌اش با بیل مارتین می‌گوید: «بیل دنیای کتاب‌های تصویری را پیش روی من گشود. در تصویرسازی این کتاب، چیزهای بسیاری از او آموختم. یکی از آن‌ها ارزش بالای تکرار و ریتم در داستان بود. این آموخته، بعدها که خود شروع به نوشتن کردم، بسیار به کارم آمد (در کرم ابریشم خیلی گرسنه: اما او هنوز هم گرسنه بود ... اما او هنوز هم گرسنه بود ...).



اریک کارل پس از فرستادن کارت ویزیت دست ساز خود به ناشران و ویراستاران متفاوت، توانست تحسین و نظر آن پندوس (Ann Beneduce) را به خود جلب کند و این آشنایی، به نقطه عطفی در زندگی حرفه‌ای او تبدیل شد. پندوس در مورد آشنایی‌اش با کارل می‌گوید: «کارتی که من دریافت کردم، به شکل نهنگی بزرگ و تا شده بود و در داخل آن تصویر کوچک و زیبایی از پینه‌دوز قرار داشت. چندی بود که من به دنبال تصویرگری می‌گشتم تا بتوانم تصاویری خلق کند که کودکان خردسال را به خود جلب کند و برای‌شان جذاب باشد. کارتی که دریافت کرده بودم، از نظر بصری بسیار خوشایند بود. در آن دوران، من به شخصه علاقه فراوانی به هنر دهه ۶۰ با پاپ‌آرت و اب‌آرت‌هایش داشتم؛ چرا که به نظرم هنری جذاب و مفرح بود. زمانی که کودکان به مجلات نگاه می‌کنند، در معرض دیدن رنگ‌های شاد و گونه هنری ساده شده‌تری قرار می‌گیرند. به عقیده من، در آن زمان دنیای کتاب‌های تصویری آماده پذیرش چنین کتاب‌ها و تصاویری بود، اما من نمی‌توانستم هنرمندی بیابم که کارهایش چنین خصوصیتی داشته باشد. زمانی که کارهای اریک کارل را دیدم، فهمیدم او دقیقاً همان کسی است که به دنبالش هستم.» در اولین گفت‌وگوها، کارل به پندوس می‌گوید که جعبه‌ای پر از ایده‌های متفاوت دارد. پندوس در این باره می‌گوید: «او را متقاعد کردم تا بیاید با هم نهار بخوریم و جعبه ایده‌هایش را هم به من نشان بدهد. او هنوز در مورد زبان انگلیسی‌اش چندان اطمینان نداشت و در این باره بسیار کم‌رو و خجالتی بود. اولین کتابی که از آن جعبه خارج شد، کتاب تصویری بدون کلامی بود با عنوان ۱، ۲، ۳ تا باغ‌وحش^۳. کتاب دومی که کارل ایده‌اش را با خود آورد، کتابی بود با عنوان یک هفته با ویلی کرمه. در تصاویر ابتدایی کارل برش‌های خلاقانه‌ای وجود داشت که محل خوردن و گاز زدن کرم را نشان می‌داد، اما من با شنیدن این ایده چندان قانع نشدم. به نظرم یک کرم چندان موجود جذابی نبود؛ به خصوص که کتاب هیچ پایانی هم نداشت. داستان در اصل به این صورت بود که کرم کوچک مدام غذا می‌خورد، حالش بد می‌شود و به خواب می‌رود. ما شروع به صحبت درباره حیوانات دیگر کردیم و دقیقاً در این زمان بود که به کارل گفتم کرم ابریشم چطور است؟ ایده‌ها و فکرهای مان آن قدر با هم سازگار بود که نیاز نشد من جمله‌ام را تمام کنم. اریک در ادامه جمله من گفت پروانه!» و کتاب معروف کرم ابریشم بسیار گرسنه^۴ خلق شد. مشکل اصلی در آن زمان، چاپ و تولید کتابی با این برش‌های خاص بود. پیچیدگی نوع برش سوراخ‌ها



و لزوم قرارگیری دقیق آن‌ها پشت سرهم، به صورت بازدارنده‌ای گران تمام می‌شد. در سفری که پندوس به ژاپن داشت، توانست ناشر و چاپخانه‌ای بیابد که این کتاب را برای نخستین بار در سال ۱۹۶۹ تولید کند. این کتاب تا کنون بارها تجدید چاپ و به بیش از سی زبان متفاوت ترجمه شده است.

کارل تا کنون بیش از ۷۰ کتاب کودک خلق کرده است و بیش از ۵۰ عنوان از این کتاب‌ها هنوز در حال تجدید چاپ هستند. کتاب‌های او به بیش از چهل زبان مختلف ترجمه شده و آثارش جوایز داخلی و بین‌المللی بسیاری را به خود اختصاص داده‌اند. او هم چنین نمایشگاه‌های فردی بسیاری در کشورهای مختلف برپا داشته و مهم تر آن که موزه کتاب‌های تصویری خود را در سال ۲۰۰۲ بنا نهاده است.

کارل در آینه آثارش:

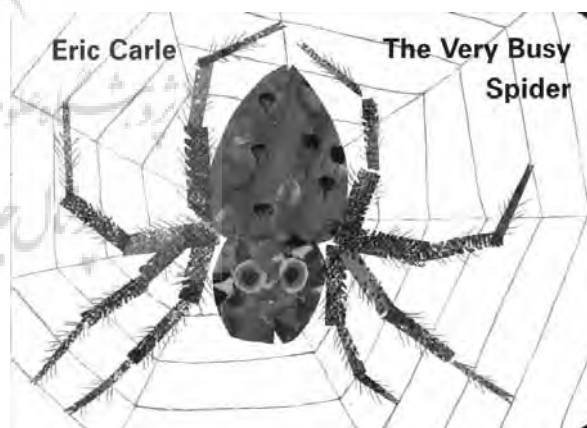
کرم ابریشم بسیارگرسنه، کتابی ۲۰۰ کلمه‌ای است در مورد کرم ابریشم گرسنه‌ای که حریصانه شروع به خوردن برگ، سوسیس، بستنی، کیک، هندوانه و چیزهای بسیار دیگر می‌کند. تا آن که کم‌کم بزرگ می‌شود و برای خود پیله‌ای می‌سازد و سرانجام تبدیل به پروانه‌ای بزرگ و زیبا می‌شود. در اکثر صفحات کتاب، سوراخ‌های کوچکی وجود دارد که نشانه حرکت و گازهای کرم ابریشم گرسنه است. سوراخ‌هایی که کودکان می‌توانند انگشت‌های خود را در آن‌ها فرو برند و مسیر حرکت کرم را دنبال کنند. تصاویر کتاب نشان دهنده قدرت کارل، در ترکیب رنگ و فرم به گونه‌ای ماهرانه و در عین حال قابل درک برای مخاطب کودک است. در این کتاب، صفحات با گذشت روزهای هفته و میزان غذایی که کرم ابریشم می‌خورد، از کوچک

به بزرگ تغییر اندازه می‌دهند. با توجه به زمان انتشار، کرم ابریشم بسیار گرسنه کتابی بسیار خلاق، بدیع و از نظر هنری منطقی و منسجم است. هم‌چنین، به صورتی فوق‌العاده در میان کودکان محبوب است. محبوبیتی که هنوز پس از گذشت چهل سال ادامه دارد. یکی از منتقدان ادبیات کودک، در مورد این کتاب گفته است: «این اثر سرچشمه‌ای هیجان انگیز برای نسل جدیدی از کتاب‌های تصویری است. این کتاب نشان دهنده توانایی کارل، در بیان داستانی با مفاهیم متفاوت و در عین حال ظاهری زیباست.»

کتاب کرم ابریشم بسیار گرسنه، امسال تولد چهل‌سالگی خود را با تولد ۸۰ سالگی خالقش جشن گرفت. تا کنون ۲۹ میلیون نسخه از این کتاب به فروش رفته است. این میزان فروش، باعث شده تا کتاب بعد از پیتربیت، کار هلن بئاتریکس پاتر، پرفروش‌ترین و موفق‌ترین کتاب تصویری کودکان به شمار آید. کارل خود در باره این کتاب می‌گوید: «کتاب کرم ابریشم بسیار گرسنه، کتابی است در باره امید. اگر شما کرم ابریشم ناچیزی باشید، همواره ممکن است رشد کنید و به پروانه‌ای زیبا تبدیل شوید.» این کتاب چنان تمامی کارهای اریک کارل، در عین این که داستانی جذاب را بازگو می‌کند، مفاهیم متفاوت، صمیمانه و مهمی را نیز به کودکان آموزش می‌دهد.

یکی از گونه‌های بسیار متنوع و کاربردی کتاب‌های تصویری، کتاب‌های تصویری / مفهومی است. کتاب مفهومی به صورت کلی معرف و تقویت‌کننده یک ایده یا یک مفهوم خاص است. این کتاب‌ها با تکیه بر تصویر، کودکان را در درک مفاهیم کمک می‌کنند و به همین سبب، بنا به نیاز و توانایی گروه‌های سنی متفاوت، خلق می‌شوند و دارای درجه‌های مختلفی از دشواری و آسانی هستند. این دسته آثار می‌توانند مفاهیم ساده‌ای چون رنگ، فرم یا تضاد را انتقال دهند. هم‌چنین می‌توانند مفاهیم پیچیده‌تری چون فصل‌های سال، گیاهان، حیوانات و چرخه حیات را نشان دهند، یا آن‌که مفاهیم مجردتری را که درک آن برای کودکان دشوارتر است، دستمایه کار قرار دهند، مفاهیمی چون حرکت، سرعت و تغییر. آثار اریک کارل، نمونه‌هایی

مثال زدن و خلاق از کتاب‌های تصویری / مفهومی اند. به طور مثال در کتاب کرم ابریشم بسیار گرسنه مفاهیم متفاوتی چون شمارش اعداد، روزهای هفته، هشدار در مورد زیان‌های خوردن خوراکی‌هایی با ارزش غذایی پایین (تغذیه) و مهم تر از همه مفهوم تغییر و استحاله، در قالب داستان و تصاویر بسیار ساده مطرح می‌شود. در کتاب‌های دیگر کارل، مفاهیم عمیقی چون دوستی، عشق، یافتن خانه‌ای تازه، تغییر محیط زندگی، بخشش، اهمیت کار و تلاش، گذر زمان و هم‌چنین آموزه‌های طبیعی و علمی‌ای چون چرخه رشد گیاهان، دگردیسی، زندگی حیوانات، تار و شبیه شکار عنکبوت، نحوه زندگی خرچنگ و چگونگی آواز خوانی جیرجیرک مطرح می‌شود.



کارل در مورد کتاب‌هایش می‌گوید: «من با بیشتر کتاب‌هایم تلاش کرده‌ام پلی بسازم بر فاصله میان خانه و مدرسه. برای من خانه فضایی است (یا فضایی باید باشد) نمایشگر گرمی، امنیت، سرگرمی، دست در دست داشتن و آغوش مهربان. در حالی که مدرسه فضایی ناشناخته و جدید برای کودکان است. آیا این فضای جدید می‌تواند فضایی شاد با افرادی مهربان باشد؟ به عقیده من فرایند رفتن به مدرسه، دومین آسیب روحی بزرگ دوران کودکی است. اولین آسیب به طور حتم، زمان تولد

رخ می‌دهد. در واقع در هر دو وضعیت، ما مکان گرم و امن خود را ترک می‌کنیم و وارد دنیایی ناشناخته می‌شویم. ناشناخته‌ها همواره ترس با خود به همراه دارند. من تلاش می‌کنم در کتاب‌هایم این ترس‌ها را خنثی و به جای آن حس‌های مثبت ایجاد کنم. باور دارم که کودکان به صورت طبیعی خلاق و علاقه‌مند به یادگیری هستند. دوست دارم به آن‌ها نشان دهم که آموختن واقعاً فرایندی سحرآمیز و مفرح است.»
 وسواس و باریک بینی در جزئیات، نوع استفاده از بافت، خطوط و رنگ‌ها باعث توفیق و زیبایی کلاژهای او شده‌اند. تکنیکی که باعث محبوبیت دیرپای او در میان کودکان شده است. مخاطبان کتاب‌های کارل، همواره تحت تأثیر سوراخ‌های روباه، تارهای عنکبوت، حشرات و حیواناتی که کارل در زمان



کودکی در گردش‌ها و بازدیدهایش از قصرهای اشتوتگارت کشف می‌کرد، قرار می‌گیرند. آثار اریک کارل متمایز و قابل تشخیص و شناسایی اند. این آثار عموماً به روش کلاژ و با استفاده از ورق‌های دستی رنگ شده‌اند. بیشتر کتاب‌های او دارای عناصری افزوده و جذاب هستند؛ عناصری چون برش‌های متفاوت صفحات، چراغ‌های چشمک‌زن و بافت‌هایی که با سایش دست صدا ایجاد می‌کنند. این عناصر به کتاب‌های کارل حسی از بازی می‌دهند. این‌ها کتاب‌هایی هستند که می‌توانند اسباب بازی باشند؛ کتاب‌هایی که می‌توان آن‌ها را لمس کرد.

تکنیک غالب در بیشتر آثار اریک کارل کلاژ است. او کار خود را با رنگ کردن قطعات بزرگی از ورق‌های بسیار نازک سفید

(tissue paper) شروع می‌کند. کم‌کم به این رنگ گذاری‌ها خطوط، فرم‌ها و طرح‌هایی نامنظم و اتفاقی با استفاده از قلم‌هایی با بافت‌ها و سایزهای متفاوت اضافه می‌شود. برخی اوقات نیز ممکن است تکه‌ای موکت، ابر و پارچه کلفت را به رنگ آغشته سازد و از آن به صورت مهر برای ایجاد بافت‌هایی جذاب و خلاقانه استفاده کند. این صفحات بزرگ رنگ شده پس از خشک شدن تبدیل به جعبه رنگ نقاشی (پالت رنگ) کارل می‌شود. کارل به دلیل داشتن پیش زمینه کار حرفه‌ای در تبلیغات و آشنایی کامل با طراحی گرافیک، حساسیت بسیاری بر روی طراحی و صفحه‌آرایی آثارش دارد. دریافت او از داستان و استفاده از تمامی عناصر طراحی و بصری ممکن (مانند طراحی صفحاتی که به صورتی خاص برش خورده یا تا شده‌اند، صفحات آستر بدرقه و ابتدایی کتاب‌ها)، همه در کنار هم باعث خلق استادانه اثر هنری زیبا و چشم‌نواز می‌شود. بسیاری از تکنیک‌های مورد استفاده



در آثار کارل، در زمان خودشان حرکتی بدیع و نوآورانه در طراحی و چاپ کتاب بوده‌اند. در کتاب‌های اریک کارل، کودکان به بازی کردن فعال در کنار خواندن داستانی لذت بخش و آموختن مفاهیم متفاوت دعوت می‌شوند. عناصر جانبی کتاب‌های کارل، هیچ‌کدام در جهت حقه‌زدن و جلب مشتری نیستند. این عناصر همگی باعث پیشرفت و گسترش داستان می‌شود و با آن در ارتباط هستند. این خاصیت، کتاب‌های کارل را تبدیل به اسباب بازی‌های قابل خواندن و کتاب‌های قابل بازی کردن کرده

است. کارل در مورد پس زمینه آموزش خود در آکادمی هنرهای کاربردی اشتوتگارت می‌گوید: به خوبی به یاد می‌آورم که ما در مدرسه، به یادگیری اصولی و پایه‌ای طراحی گرافیک و هنرهای کاربردی مشغول بودیم. ما با تمرین «تقسیم فضا» کارمان را آغاز کردیم. برای انجام این تمرین و درک درست فضا و رنگ، باید ورق‌هایی را می‌ساختیم و به شکل‌هایی متفاوت رنگ‌آمیزی می‌کردیم. با این تمرین، تعداد زیادی صفحه بزرگ و رنگین به وجود می‌آمد. سپس این صفحات بزرگ را ریز کرده، از ترکیب قطعات خرد، نقوش و طرح‌هایی انتزاعی می‌ساختیم البته قطعات را با چسب ثابت نمی‌کردیم. ایده اصلی بالابردن دقت و حساسیت ما نسبت به ترکیب‌بندی بود و باید این تمرین را بارها تکرار می‌کردیم. کارل درک درست خود را از تکنیک کلاژ، مدیون تمرین‌ها و آموخته‌هایش در آکادمی هنر آلمان می‌داند.

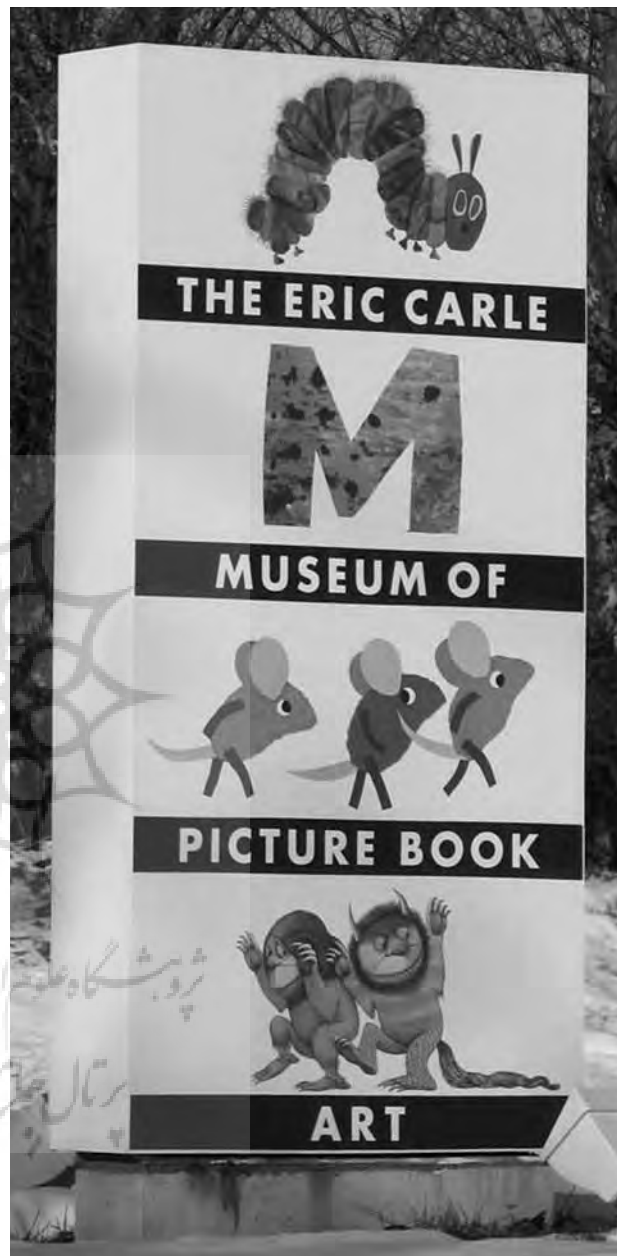
فیزیک و فرمت خلاق از ویژگی‌های آثار کارل است. کارل خود در مورد این تنوع فرم‌ها می‌گوید: «به عنوان یک طراح گرافیک، من همواره می‌کوشم بیننده خود را متعجب و غافلگیر کنم. زمانی که در تبلیغات کار می‌کردم، همواره باید بسته بندی‌ها و روش ارایه جذاب و متفاوتی طراحی می‌کردیم (چیزی که صدا بدهد، قابل لمس باشد یا از داخل جعبه بیرون ببرد). نکته دیگر این است که کودکان دوست دارند چیزهای متفاوت را لمس کنند. آن‌ها هنوز در دنیای



اسباب‌بازی و سرگرمی زندگی می‌کنند. به همین دلیل، آثار من نیمی اسباب‌بازی و نیمی کتاب هستند.»

سادگی کودکانه آثار کارل، آگاهانه و زبردستانه انتخاب شده است. این انتخاب توانسته عناصر بصری را با دقتی بالا و درست، به گونه‌ای در کنار هم قرار دهد که کودک مخاطب به راستی باور کند که کتاب تنها برای او به‌وجود آمده است. رسیدن به اصل و حقیقت سادگی، نقطه تحولی در زندگی هنری کارل محسوب می‌شود. حیوانات و عناصر تصویری در آثار کارل در عین خلاصه شدن و سادگی‌شان بسیار دقیق و درست طراحی شده‌اند و کودک با نگاه کردن به تصاویر، می‌تواند شکل حشرات یا حیوانات را به درستی دریابد و شناسایی کند.

کارل خود در این مورد می‌گوید: «برخی مفاهیم درونی در اغلب کتاب‌های من وجود دارد. یکی از این مفاهیم، سادگی تجربه است. من همواره برای نشان دادن راه حل‌های ساده کوشیده‌ام؛ چون زمانی که پسر بچه کوچکی بودم، همیشه از سنگین بودن مضامین دروس و پیچیده بودن یک مشکل، عمیقاً دستپاچه می‌شدم. در بیشتر موارد احساس می‌کردم اگر معلم‌ها از تعبیر دیگری در درس دادن استفاده می‌کردند یا مفاهیم درسی را کوتاه‌تر و ساده‌تر می‌کردند، درک‌شان برایم بسیار راحت‌تر بود. البته من در آن زمان آن قدر شجاع نبودم تا دست بلند کنم و از معلم کلاس بخواهم درس را به گونه‌ای دیگر یا کمی ساده‌تر بیان کند. در بیشتر موارد وانمود می‌کردم درس را فهمیده‌ام. زمانی که بزرگ‌تر شدم، دریافتم که تنها من نیستم که این مشکل را دارم. حتی امروزه هم کودکان با این مشکل دست و پنجه نرم می‌کنند. وقتی به برخی از کتاب‌های تصویری کودکان که انباشته از





تصاویر و اطلاعات پیچیده است، نگاه می‌کنم، این کلمات به ذهنم می‌آید: «بیش از اندازه». در بیشتر موارد، زمانی که برنامه‌های تلویزیونی مخصوص کودکان را می‌بینم، با این انباشتگی اطلاعات، تصاویر، موسیقی و ... احساس می‌کنم که مسلسلی به سوی کودکان نشانه گرفته و همه چیز در زمانی کوتاه به سوی آن‌ها پرتاب می‌شود.»

کارل در مورد شیوه کار و فرایند شکل‌گیری ایده‌هایش می‌گوید: «ایده ابتدایی کتاب‌ها بسیار سریع در ذهنم شکل می‌گیرد، اما باید روی آن‌ها ماه‌ها و سال‌ها کار کنم تا به نقطه‌ای برسد که مرا راضی کند. ابتدا ایده‌ای بسیار خام و کلی در ذهنم به وجود می‌آید. به طور مثال، در مورد کتاب جیرجیرک بسیار ساکت، ایده اصلی این بود که کتابی در باره جیرجیرک‌ها بسازم یا در مورد کتاب کرم ابریشم بسیار گرسنه ایده اصلی کتابی بود که سوراخ‌هایی در آن باشد. این به آن معنی نیست که من با این ایده ابتدایی هر روز بنشینم و بگویم داستان یا تصویری خلق کنم. گاهی این ایده‌ها هفته‌ها و سال‌ها در پس ذهن من وجود دارند و من ناخودآگاه با آن‌ها کلنجار می‌روم تا این که عاملی بیرونی باعث می‌شود این ایده‌ها دوباره جدی شوند و من شروع به کار روی آن‌ها کنم. اولین کتاب‌های آزمایشی/ساختگی (Dummy) که طراحی می‌کنم، معمولاً بسیار ابتدایی، سریع و کلی است. کم‌کم طرح‌ها دقیق‌تر و جزئیات‌شان بیشتر می‌شود. عاقبت یک کتاب آزمایشی رنگی برای خودم و برای نشان دادن به ویراستار می‌سازم. روی تمامی صفحات و عناصر این کتاب، با ویراستار به بحث و گفت و گو می‌نشینم و در آخر، زمانی که احساس می‌کنم تصاویر و داستان قانع‌کننده و درست هستند، شروع به کار بر نسخه نهایی می‌کنم.» او همچنین درباره استفاده از رنگ‌های شاد در آثارش می‌گوید: «من باغچه خانام را مانند کتاب‌هایم طراحی می‌کنم. اطلاعات خاصی در مورد گل و گیاه ندارم؛ تنها رنگ‌ها برای من اهمیت دارند. بخشی از باغچه را سبز می‌کنم. در قطعه دیگر گل‌های سرخ و در میان آن‌ها رنگ‌های زرد و صورتی قرار می‌دهم. رنگ‌ها به من حسی از آرامش و شادی می‌بخشند.»

رمز موفقیت کتاب‌های اریک کارل، درک شهودی او از دنیای کودکی و احترام بسیار به مخاطبان کودک و نوجوان است. مخاطبانی که به صورتی غریزی افرادی را که احساسات و افکار تسلی بخش و ارزشمند را با آن‌ها شریک می‌شوند، می‌شناسند و مجذوب آثارشان می‌شوند. او در این مورد می‌گوید: «من در کارم بسیار جدی هستم و می‌دانم بزرگ شدن برای بسیاری از کودکان فرایند آسانی نیست. کمک برای آسان‌سازی این فرایند، بسیار ضروری است. به خوبی دوران کودکی و احساساتم را در آن زمان به یاد می‌آورم.» بن‌مایه‌های اصلی داستان‌های کارل، عموماً برخاسته از تجربه‌های فردی، دانش گسترده و علاقه بسیار او به طبیعت است، علاقه‌ای که بسیاری از کودکان با او شریک‌اند. علاوه بر زیبایی و سرگرم‌کنندگی، کتاب‌های کارل همیشه فرصتی برای کودکان ایجاد می‌کنند تا موضوعات جالبی را درباره دنیای اطراف خود بیاموزند. از نکات قابل توجه آثار کارل، امکان ایجاد ارتباط این کتاب‌ها با کودکان کم‌توان ذهنی و جسمی است. توجه بسیار کارل به کودکان، احساسات و کنجکاوی‌های‌شان، خلاقیت‌ها و رشد فکری‌شان و مهم‌تر از همه خلق آثار هنری زیبا، باعث گردیده تا خواندن کتاب‌هایش تبدیل به تجربه‌ای مهیج و پاینده شود.

پی‌نوشت:

- 1 . The ART of Eric Carle
- 2 . Brown Bear, Brown Bear, what do you see?
- 3 . 1, 2, 3 to the Zoo
- 4 . The Very Hungry Caterpillar
- 5 . The Very Quiet Cricket

کرم ابریشم بسیار گرسنه، نویسنده و تصویرگر: اریک کارل؛ مترجم: کتابون صدرنیا - تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.

منابع:

- Bolle. S. (2009) A very hungry caterpillar found a hungry readership, <http://www.latimes.com/features/books/la-et-eric-carle24-2009apr24,0,125434.story>.
- Eric Carle's Colorful World of Children's Books: <http://www.npr.org/templates/story/story.php?storyId=11889867>
- Francoeur. A (2003) A Reading and Discussion Guide: The Very Hungry Caterpillar, Groton Public Library, Groton, MA
- Marcus. L. S (2002) Ways of Telling: Conversations on the Art of the Picture Book. Dutton Children's Books
- Setoodeh. R (2009) The Surprising Dark Side of the Very Hungry Caterpillar, Newsweek: <http://www.newsweek.com/id/189230/output/print>